

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
رُؤْيُتِ هَلَالٍ وَحَسَابِ نَجُومِي

(ترجمه)

حمد و ثنا برای الله سبحانه و تعالی، درود و سلام بر رسول الله صلی الله علیه و سلم و اصحابش و کسی که آن را پیروی می‌کند! و بعد: به جواب برادرانی که سوالات شان را به صفحه‌ی ما ارسال کردند و از رؤیت هلال و حساب نجومی سوال کردند.

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

به سوالات شما اطلاع حاصل نمودم که در خصوص رؤیت هلال و حساب نجومی سوال کردید. ما در خصوص این مسئله به چند مرتبه جوابات را صادر کرده بودیم؛ اما باز هم مشکل نیست اکنون هم توضیحات و تأکیدات بیشتر در این جا می‌نمائیم، به امید این که برادران این توضیحات و تأکیدات را با بینش و عمق نظر تدبیر نموده و توفیق از جانب الله سبحانه و تعالی است:

• برادران محترم! ما حساب نجومی را در مسئله‌ی رؤیت هلال داخل نمی‌سازیم. نصی که در خصوص رؤیت هلال آمده تنها به رؤیت تعلق دارد و ما تنها بر دیدن هلال روزه و افطار می‌کنیم؛ پس وقتی ما هلال را در شام ببست و نهم ماه رمضان ندیدیم، سی روز را تکمیل می‌کنیم؛ اگر چه هلال به حساب نجومی موجود بوده، ولی ابر و یا ظروف جوی آن را پوشانده باشد. پس رؤیت هلال اساس حکم صوم و افطار است؛ زیرا نص وارد در این خصوص همان رؤیت هلال است؛ نه موجودیت محض ماه. برای درک بهتر این مسئله به حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم توجه فرمائید که بخاری روایت کرده و گفته است، شنیدم که ابوهریره رضی الله عنه می‌گفت که رسول الله صلی الله علیه و سلم و یا ابوالقاسم فرمودند:

«صُومُوا لِرُؤْيَيْهِ وَأَفْطِرُوا لِرُؤْيَيْهِ فَإِنْ غُبِيَ عَلَيْكُمْ فَأَكْمِلُوا عِدَّةَ شَعْبَانَ ثَلَاثِينَ»

ترجمه: بادیدن آن روزه بگیرید و با دیدن آن افطار کنید، اگر بر شما پوشیده ماند، پس تعداد روزهای شعبان را سی روز تکمیل کنید.

سپس چیزی که احمد تخریج نموده این است: ... شنیدم که ابوهریره رضی الله عنه می‌گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است:

«لَا تَصُومُوا حَتَّى تَرَوْا الْهَلَالَ وَلَا تَفْطِرُوا حَتَّى تَرَوْا الْهَلَالَ، وَقَالَ: صُومُوا لِرُؤْيَيْهِ وَأَفْطِرُوا لِرُؤْيَيْهِ فَإِنْ غُبِيَ عَلَيْكُمْ فَعُدُّوا ثَلَاثِينَ»

ترجمه: تا زمانی که هلال را نمی‌بینید روزه نگیرید، و فرموده اند بادیدن آن روزه بگیرید و با دیدن آن افطار کنید، اگر بر شما پوشیده ماند، پس سی روز را بشمارید.

وقتی هلال را ابر پوشاند، به گونه‌ای که مسلمان‌ها آن را ندیدند، با وجودی که به حساب نجومی در پشت ابر موجود باشد، باز هم بنا بر عدم رؤیت هلال افطار نمی‌کنیم، بلکه لازم است که روز سیام را روزه بگیریم؛ زیرا ما هلال را ندیدیم. تکراراً یادآور می‌شوم که حدیث: «فَإِنْ غُبِيَ عَلَيْكُمْ فَأَكْمِلُوا عِدَّةَ شَعْبَانَ ثَلَاثِينَ» را دیده و دقت کنید، با وجودی که به حساب نجومی هلال موجود باشد.

• ما می‌دانیم که به اساس محاسبات نجومی، وقت بیرون شدن هلال و حتی ثانیه بیرون شدن آن فهمیده می‌شود. همچنان به اساس محاسبات نجومی فهمیده می‌شود که چی وقت هلال غائب و چند دقیقه بعد از غیابت آفتاب باقی می‌ماند... با وصف آن نص شرعی بر محض موجود بودن هلال صراحت نداشته؛ بلکه بر رؤیت بنا یافته است، به گونه‌ای مثال اوقات نماز را دقت کنید، می‌بینید که نص در خصوص نماز تنها موجودیت وقت را ذکر نموده و بر رؤیت اقتضار نیافته است:

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ» [اسراء: 76]

ترجمه: نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب [= نیمه شب] برپا دار؛

«إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَصَلُّوا»

### ترجمه: وقتی آفتاب زوال نمود، نماز بخوانید.

پس نماز موقوف بر وقت بوده و به هر وسیله‌ای که وقت تحقق یابد، نماز خوانده می‌شود و وقتی شما به آفتاب نگاه کنید تا وقت زوال را ببینید و یا به سوی سایه نگاه کنید تا سایه‌ای هر شی را ببینید که برابر آن شده و یا دو برابر آن شده است، چنانچه در احادیث اوقات نماز چنین آمده که اگر این کار را انجام دادی و تحقق پیدا کرد، نماز صحت دارد و اگر این کار را انجام ندادی؛ بلکه به اساس محاسبات نجومی حساب نمودی و دانستی که همین ساعت، وقت نماز است و یا این‌که به طرف ساعت خود نگاه کردی، بدون این‌که بیرون شوی تا آفتاب و یا سایه را ببینی، باز هم نماز صحیح می‌باشد. یعنی اگر وقت به هر وسیله‌ای که تحقق یابد، نماز جایز است چرا؟؛ زیرا الله سبحانه و تعالی نماز را با داخل شدن وقت مطالبه کرده و روش ثبوت دخول وقت را بر خود شخص گذاشته، بدون این‌که کیفیت روش ثبوت دخول وقت تعیین و محدود شده باشد و چنانچه شما می‌بینید، وقتی شما زوال را دیدید، نماز می‌خوانید و وقت زوال را به ساعت خود حساب نمودید، باز هم نماز می‌خوانید، یعنی با رؤیت وقت و حساب نجومی نماز می‌خوانید؛ زیرا نص بر رؤیت بنا نیافته؛ بلکه بر محض موجودیت آفتاب بنا یافته است... و این خلاف نص شرعی است که در خصوص روزه رمضان و فطر آمده و تنها بر رؤیت هلال بنا یافته است.

اما یک مسئله باقی می‌ماند و او این است که گاهی اوقات رؤیت هلال بر شاهد اشتباه می‌شود، مثلاً: شاهد شهادت می‌دهد که او هلال را دیده، درحالی‌که هلال را ندیده، بلکه چیز دیگری را دیده است؛ پس در چنین حالتی وظیفه و مسئولیت قاضی و صاحب صلاحیت است که شروع و ختم ماه را اعلان کند، و این موضوع بستگی به شهود و تعداد شهود داشته و به هر پیمانه‌ای که تعداد شهود زیاد شود، اطمینان نزدیکتر و بیش‌تر شده و از سالم بودن قوه بصارت شاهد به قوس هلال خیر می‌دهد؛ همچنان از مدت باقی ماندن هلال بعد از غروب تحقق پیدا می‌کند و از مکانی‌که هلال را از آنجا دیده تحقق پیدا می‌کند و از این‌که آن شاهد مسلمان است و یا خیر؟ فاسق است و یا خیر؟ از این موارد نیز رؤیت هلال تحقق پیدا می‌کند... الی آخر.

محمد بن عبدالعزیز بن ابو رزمه گفته است: فضل بن موسی از سفیان از سماک از عکرمه از ابن عباس برای ما خبر داده که گفته است: شخص اعرابی در نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد و گفت:

«فَقَالَ رَأَيْتُ الْهَالَاتِ فَقَالَ أَتَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ قَالَ نَعَمْ فَنادَى النَّبِيُّ ﷺ أَنْ صُومُوا»

ترجمه: من هلال را دیدم، گفت آیا شهادت بر لا اله الا الله و ان محمد عبده و رسوله می‌دهی؟ اعرابی گفت، بلی،

سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم صدا زده و فرمودند؛ روزه بگیرید!

این حدیث را سنن نسائی روایت کرده است. به این شکل ثبوت هلال به اساس شهادت شهود بوده؛ ولی به شرطی‌که محاسبات نجومی در شهادت آن در مرحله اول داخل نشده، یعنی شاهد نگوید که محاسبات نجومی ثابت می‌سازد که هلال در پشت ابر موجود است و یا این‌که ثابت می‌سازد که موجود نیست؛ زیرا داخل ساختن محاسبات نجومی در این مسئله خلاف آن چیزی است که در حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم آمده است:

«صُومُوا لِرُؤْيَيْتِهِ، وَأَفْطَرُوا لِرُؤْيَيْتِهِ، فَإِنْ غَبِيَ عَلَيْكُمْ فَعُدُّوا ثَلَاثِينَ»

ترجمه: با دیدن آن روزه بگیرید و با دیدن آن افطار کنید، اگر بر شما پوشیده ماند، پس سی روز را تکمیل کنید.

پس نص در این‌جا واضح است و او این است که ماه سی روز تکمیل شود، با وجودی‌که به اساس محاسبات نجومی هلال در پشت ابر موجود بوده، اما دیده نشود.

اما در خصوص این سوال سائل که گفته: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است: «إِنَّا أُمَّةٌ أُمِّيَّةٌ، لَا نَكْتُبُ وَلَا نَحْسُبُ، الشَّهْرُ هَكَذَا وَهَكَذَا يَعْنِي مَرَّةً تِسْعَةً وَعِشْرِينَ وَمَرَّةً ثَلَاثِينَ؛ ما امت بی‌سوادی هستیم، نمی‌نویسیم، محاسبات نجومی را کرده نمی‌توانیم، ماه گاهی این‌گونه است، گاهی این‌گونه، یعنی بعضی اوقات بیست و نه روز است و گاهی اوقات سی روز. آیا از این حدیث مفهوم مخالف فهمیده نمی‌شود؟ به این معنی‌که وقتی ما به اساس رؤیت ماه عمل می‌کنیم، به خاطری‌که کتابت و محاسبات نجومی را نمی‌دانیم؛ اما وقتی کتابت و محاسبات نجومی را آموختیم، پس در این وقت محاسبات نجومی را اعتبار می‌دهیم.»

این فهم و برداشت مفهوم مخالف جایز نبوده و این یک سخن مردود است؛ چنانچه مسئله‌ای این‌که مفهوم مخالف از این حدیث معطل می‌باشد، در اصول نیز آشکار است؛ زیرا وصف (امیت) به اعتبار اغلیبت گفته شده و این یک

اصطلاح است، چون اکثریت اعراب بی‌سواد بودند، ولی به اساس منطوق سایر نصوص از جمله حدیث «فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَأَعْمِدُوا الْعِدَّةَ ثَلَاثِينَ» مفهوم مخالف این حدیث از بین می‌رود، چون در این حدیث کدام قیدی ذکر نشده، یعنی وقتی رؤیت هلال به سبب ابر و یا باران و یا به هر دلیل دیگری غیر ممکن گردد، حکم شرعی این است که ماه سی روز تعیین شود، اگرچه هلال وجود داشته باشد، ولی ابر آنرا پوشانده باشد؛ بنابر آن، به منطوق حدیث عمل شده و مفهوم مخالف معطل قرار می‌گیرد؛ یعنی مفهوم مخالف به دو دلیل در این جا معطل است: یکی این‌که این جمله به اساس یک اصطلاح ذکر شده و دوم این‌که منطوق نص دیگری وجود دارد که با این مفهوم مخالف در تعارض قرار می‌گیرد. این چیزی است که در اکثر حالات برداشت مفهوم شرط گذاشته شده، یعنی وقتی به اساس یک اصطلاح ذکر شود، معطل قرار می‌گیرد و یا این‌که نص دیگری به اساس منطوق نص اولی را تعطیل کرده باشد، مثلاً (وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ) [اسراء: 31]؛ اولاد خود را از ترس تنگدستی نکشید! اکنون می‌بینیم که (خشية إملاق) صفت است که معنی ترس فقر را می‌رساند و همچنان به اعتبار اقلیت به عنوان یک اصطلاح اعتبار داده می‌شود؛ چون آن‌ها از ترس فقر اولاد خود را می‌کشند، سپس این مفهوم به اساس این نص تعطیل شده است:

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ [نساء: 93]؛

**ترجمه:** و هرکسی مؤمنی را قصداً به قتل رساند، کیفر او دوزخ است.

به همین دلیل این مفهوم معطل می‌شود، پس گفته نمی‌شود که قتل اولاد از ترس فقر حرام است؛ ولی به حالت غنا حلال می‌باشد؛ بلکه قتل نفس در هر دو حالت حرام بوده، خواه به دلیل فقر باشد و یا به دلیل غنا. همچنان در آیه مبارکه:

(لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً) [آل عمران: 130] صفت مضاعف از آیه فهمیده می‌شود که به اساس اقلیت و به عنوان یک اصطلاح ذکر شده و مشرکین در آن زمان مضاعف می‌خوردند؛ سپس این مفهوم به اساس آیه مبارکه: (وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا) [بقره: 275]؛ الله بیع را حلال و سود را حرام نموده است. معطل قرار گرفته است. به همین دلیل، این مفهوم معطل می‌باشد. پس گفته نمی‌شود که حرام ربای زیاد بوده و خوردن ربای کم جایز می‌باشد، بلکه به هر پیمانه که ربا باشد حرام است؛ زیرا مفهوم (أضْعَافًا مُضَاعَفَةً) طوری که گفتیم معطل است. به همین ترتیب، کلمه (أمية) معطل می‌باشد؛ چنان‌چه بیان کردیم، یعنی رؤیت هلال وقتی به اثر ابر و یا باران متعذر شد، لازم به تکمیل نمودن سی روز است، خواه محاسبات نجومی را بدانیم و یا ندانیم.

• امسال در اعلان عید تأخیر کردیم، سبب این تأخیر همانا شهادت شهود مختلف مبنی بر رؤیت هلال بوده است:

ا- افغانستان، مالی، نایجریا بعد از غروب روز شنبه مورخ ۳۰ اپریل ۲۰۲۲م رؤیت هلال را اعلان کردند و عید را در اول شوال ۱۴۴۳ روز یکشنبه موافق به ۱می ۲۰۲۲م اعلان نمودند.

ب- در حدود ۲۱ دولت عربی عدم ثبوت رؤیت هلال را بعد از غروب روز شنبه اعلان کردند؛ پس به اساس اعلان این دولت‌ها روز یکشنبه متمم ماه مبارک رمضان گفته می‌شد و روز دوشنبه ۲ می ۲۰۲۲ م عید بود.

ج- چهار دولت به اساس تقویم می‌گفت که روز شنبه بیست و هشتم ماه مبارک رمضان است، به همین دلیل این چهار دولت در شام روز شنبه اصلاً در صدد جستجوی رؤیت هلال نشده و روز دوشنبه را متمم رمضان می‌دانستند و روز سه شنبه ۳ می ۲۰۲۲م را عید می‌دانستند که این دولت‌های هند، بنگلادیش، ایران و پاکستان بودند.

• در این جا لازم می‌دانم که باید برای دیدن هلال و ماه باید تتبع و پیگیری صورت گیرد؛ زیرا کسی که ماه را دید، دیدن آن بر کسی که ندیده نیز حجت و دلیل بوده و ثبوت رؤیت هلال محسوب می‌شود؛ چنانچه این موضوع در نصوص شرعی وارده شده بدون این‌که محاسبات نجومی در موضوع آن داخل شود؛ زیرا حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم در این خصوص واضح است، «فَإِنْ غَبِيَ عَلَيْكُمْ فَعَدُّوا ثَلَاثِينَ» و دیگر این‌که مالی و نایجریا در غرب افغانستان است و اگر رؤیت هلال در افغانستان ثابت شود، پس از باب اولی در مالی و نایجریا ثابت شده است. بناءً ما اعلان ثبوت هلال را از افغانستان شروع نمودیم و رؤیت هلال در این سه کشور به گونه ذیل صورت گرفت:

ا- نایجریا ثبوت رؤیت هلال را در ماه شوال بعد از غروب روز شنبه در مناطق دیفا، طاوا و مرادی و همچنان در شهر زندر اعلان نمود.

ب - ستره محکمه/دیوان عالی افغانستان شام روز شنبه اعلان کرد که روز یکشنبه ۱ می اولین روز ایام عید فطر ۲۰۲۲م در این سرزمین است و طوری که از این سرزمین گزارش آمد رؤیت هلال در ولایات غور، غزنی، قندهار و فراه صورت گرفته و شهادت صحیح ۲۷ نفر در نزد کمیته این منطقه ثابت شده است.

ج - همچنان دولت مالی ثبوت رؤیت هلال ماه شوال را در شام شنبه در دموقعیات از جانب ۸ نفر شاهد ثابت دانسته است.

یعنی این که رؤیت هلال از طرف ۳۹ نفر شاهد در مناطق مختلف صورت گرفته است... و ما توان خود را در راستای رؤیت هلال مخصوصاً در افغانستان انجام دادیم؛ زیرا مالی، نایجیر به طرف غرب است، وقتی رؤیت هلال در افغانستان صحیح باشد، پس از باب اولی در مالی و نایجیر صحیح است... پس ما به گفته رسانه‌ها اکتفاء نکردیم و حتی از جانب اشخاص معتبری که در ولایات بوده، اکتفاء نکردیم، بلکه به مطبوعات افغانستان به تماس شدیم و همچنان با بعضی برادرانی که در اروپا زندگی دارند، به تماس شدیم تا با بعضی اشخاص مشهور به خوبی در افغانستان در خصوص رؤیت هلال صحبت نمایند تا این که در نزد ما رؤیت هلال ثابت شد؛ سپس بعد از ثبوت رؤیت هلال حدوداً ساعت ۱۲ بجه شب به وقت مدینه ما رؤیت هلال را اعلان کردیم.

اما این که سوال شده که چرا مسلمانان در خصوص رؤیت هلال اختلاف دارند؟ جواب این سوال بسیار آسان بوده و به دلایل ذیل این مسئله قابل درک است:

۱- بدون شک اختلاف سبب عدم پیروی و پیگیری حکم شرعی است، با وجود این که این مسئله بسیار واضح و آشکار است! رسول الله صلی الله علیه و سلم برای ما بیان کرده اند که جستجوی رؤیت هلال لازم و واجب بوده و بر این مسئله چنین صراحت دادند:

«فَإِنْ عَبِيَ عَلَيْكُمْ فَعُدُّوا ثَلَاثِينَ»

ترجمه: اگر بر شما پوشیده ماند، پس سی روز را بشمارید.

و گفته است:

«لَا تَقْدَمُوا الشَّهْرَ حَتَّى تَرَوْا الْهَلَالَ أَوْ تَكْمُلُوا الْإِدَّةَ ثُمَّ صُومُوا حَتَّى تَرَوْا الْهَلَالَ أَوْ تَكْمُلُوا الْإِدَّةَ»

ترجمه: تا هلال را نمی بینید حکم نکنید و یا این که باید روزهای ماه را تکمیل کنید، سپس روزه بگیرید تا هلال شوال را ببینید و یا این که تعداد روزها را تکمیل کنید.

این حدیث را ابوداود روایت کرده و گفته است:

«إِذَا رَأَيْتُمُ الْهَلَالَ فَصُومُوا وَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَأَفْطِرُوا فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَصُومُوا ثَلَاثِينَ يَوْمًا»

ترجمه: وقتی هلال را دیدید روزه بگیرید و وقتی هلال را دیدید افطار کنید، اگر هلال پوشیده ماند، پس بر شما لازم است که روزه بگیرید و سی روز را کامل کنید.

این حدیث را مسلم روایت کرده و احادیث در این بخش بسیار زیاد است و این احادیث دال بر این است که معتبر در این مسئله رؤیت هلال و یا تکمیل نمودن روزهای ماه است. مقصود این احادیث این نیست که هر کس هلال را به چشم خود ببیند؛ بلکه هدف شهادت شهود عادل است. از ابن عمر رضی الله عنهما در حدیث صحیح روایت شده است:

«تَرَاعَى النَّاسُ الْهَلَالَ فَأَخْبِرَتْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَنِّي رَأَيْتُهُ فَصَامَهُ وَأَمَرَ النَّاسَ بِصِيَامِهِ»

ترجمه: مردم هلال را دیدند، پس من برای رسول الله صلی الله علیه و سلم خبر دادم که من هلال را دیدم؛ پس ایشان روزه گرفتند و مردم را به روزه امر کردند.

این حدیث را ابوداود روایت کرده است.

ب - سبب دوم این است که خلافت وجود ندارد تا مسلمانان را وحدت بخشد؛ پس برای مسلمانان حاکم واحد وجود ندارد که اختلاف را از بین امت بردارد؛ چنانچه با تدبر در حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم این مسئله کاملاً واضح می شود. احمد در مسند خود تخریج نموده که هشیم برای ما حدیث گفت که ابو بشر از ابو عمیر بن انس روایت نموده که عمومه انصاری که از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم بود، برای ما گفت که رسول الله صلی الله علیه و سلم گفته است:

«عَمَّ عَلَيْنَا هَلَالُ شَوَّالٍ فَأَصْبَحْنَا صِيَامًا فَجَاءَ رَكْبٌ مِنْ آخِرِ النَّهَارِ فَشَهِدُوا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُمْ رَأَوْا الْهَلَالَ بِالْأَمْسِ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ يُفْطَرُوا مِنْ يَوْمِهِمْ وَأَنْ يَخْرُجُوا لِعِيدِهِمْ مِنَ الْعَدَى»

**ترجمه:** هلال ماه شوال بر ما پوشیده ماند و ما روزه گرفتیم، سپس در قسمت آخر روز قرار داشتیم که سوارهای آمدند و در نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم شهادت دادند که آن‌ها هلال را شام آن روز دیدند، سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم امر کردند که در همان روز افطار کنند و فردای آن به نماز عید بیرون شوند. (ابن حدیث در مسند احمد روایت شده است.)

لذا گرچه در آن زمان روابط بین قریه جات و شهرها سخت بود، اما به مجردی که رسول الله صلی الله علیه و سلم مسلمانان را در مدینه امر به افطار کردند، مشکل حل شد؛ زیرا دیدن هلال در دشت و بادیه تکمیل شد. سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم مسلمانان را امر کردند تا فردای آن نماز عید را اداء کنند؛ زیرا گروه بادیه‌نشین بعد از وقت نماز عید آن روز به مدینه رسیدند. این مسئله در زمانی بود که انتقال اخبار از یک شهر به شهر دیگر وقت طولانی را در بر می‌گرفت؛ در حالی که امروزه چی به سادگی و راحتی تمام خبرها از یک شهر به شهر دیگر و از یک سرزمین به سرزمین دیگر انتقال می‌یابد. اگر برای مسلمانان خلیفه واحد و دولت واحد می‌بود، بدون شک مسلمانان در کنار هم برادروار بنده گی الله سبحانه و تعالی را می‌نمودند؛ مخصوصاً که اسلام به تبنی و گزینش حکم اختلافی امر کرده که مسلمانان را وحدت می‌بخشد. دولت حزب و فرد را برای آن مطابق به شریعت مبین اسلام امر کرده است؛ پس تبنی نظر شرعی که مسلمانان را جمع کند، مسئله‌ای است که مقام و ارزش آن در نزد اسلام بسیار بزرگ است.

این دو چیزی است که اختلاف را بر می‌دارد و بر مسلمانان واجب است که تمام وسع و توان شان را برای تحقق این دو چیز به خرج دهند تا مسلمانان به عنوان بهترین امت پس به جایگاه اصلی شان برگردند؛ چنانچه الله سبحانه تعالی در کتاب محکم خود فرموده است:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: 110]

**ترجمه:** شما گزیده امتی بودید که برای مردم بر آورده شدید، مردم را به معروف فرا می‌خوانید و از منکر باز می‌دارید و به الله (سبحانه و تعالی) هم ایمان می‌آورید.

در خاتمه از الله سبحانه و تعالی می‌خواهم که همه مسلمانان را به سوی مهم‌ترین مسؤلیت شان هدایت کند و با عزت اسلام آن‌ها را عزت بخشد! به امید آن که دولت شان را بعد از غیابت این مدت طولانی برپا کرده و در فرمان‌برداری از پروردگار شان اختلاف نکنند؛ بلکه آن طوری که الله سبحانه و تعالی فرموده است باشند:

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا حَتَّى تُؤْتُوا جُزْءَ مَالِكُمْ مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ عَشْرَ شَعْرَةٍ ذَلِكَ تَتَّقُونَ اللَّهَ وَأَنْتُمْ سَوَاءٌ﴾ [آل عمران: 174]

**ترجمه:** پس به لطف نعمتی از الله و فضل بی آنکه هیچ آسیبی به آنان برسد، بازگشتند و خشنودی الله (سبحانه و تعالی) را پیروی کردند و الله (سبحانه و تعالی) دارای فضل عظیم است.

الله سبحانه و تعالی طاعات را قبول نماید!

و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

برادرتان عطاء ابن خلیل ابوالرشته

۱۰ شوال ۱۴۴۳ هـ.ق.

۱۰ می ۲۰۲۲ م.

مترجم: مصطفی اسلام